

متن پرسش

با عرض سلام و ارادت خدمت استاد گرانقدر حقیر اکثر روزها به سایت شما سر می‌زنم و خصوصاً قسمت پرسش و پاسخ را مطالعه می‌کنم. متأسفانه حجم عظیمی از سوالات به مطالب سیاسی و جنجال‌های بی‌حاصل می‌پردازد که به نظر حقیر وقت شما با ارزش‌تر از آن است که دوستان اینگونه آن را هدر می‌دهند. هرچند شما به وظیفه عمل می‌کنید، اما بهتر است دوستان نیز بیشتر رعایت کنند. (بدیهی است که این مطلب نفی لزوم بحث‌های جدی سیاسی نیست که آن هم وظیفه است.) اما انتظاری که اینجانب از شما دارم تحریر مقاله‌ای است در باب «سبک زندگی مهدوی» که نیاز امروز جامعه‌ی ماست. (در باب سبک زندگی مطالبی فرموده‌اید و استفاده کرده‌ام، اما منظورم مقاله‌ای با تأکید بیشتر بر چگونگی «مهدوی» بودن سبک زندگی امروز ماست) اگر در این باب مقاله‌ای تحریر کنید بسیار ممنون خواهم بود. با آرزوی توفیقات روزافزون برای استاد ارجمند - عزتی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پیشنهاد بسیار ارزشمندی است و حقیقتاً وقتی زندگی وسعت لازم را پیدا می‌کند که زندگی را به افقی متصل کنیم که حضرت مهدی «عجل‌الله تعالی فرجه» با آن تمدن خاص در میان می‌آید، حقیقتاً انتظار ظهور حاکمیت عالی‌ترین شخصیت هستی، نشانه‌ی بلوغ بشریت است. باید تلاش کرد تا این انتظار زنده و با طراوت بماند به خصوص که ائمه‌ی معصومین (ع) تأکید کرده‌اند «أَلَيْسَ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ» آیا انتظار فرج به خودی خود از فرج محسوب نمی‌شود و برکات فرج را به همراه ندارد؟ لازمه‌ی انتظار حقیقی، معرفتی خاص است و اگر با معرفتی صحیح همراه شود، برکات فوق‌العاده‌ای به همراه دارد و مانع می‌گردد که انسان‌ها گرفتار اکنون‌زدگی شوند و سرنوشت خود را به دوران حاکمیت ظلمات آخرالزمان بسپارند. ما بیش از آن‌که به آگاهی از «حوادث ظهور» نیازمند باشیم به معرفت نسبت به «قواعد ظهور» محتاجیم تا معلوم شود انتظار فرج شرایط تحقق ظهور است. نکته‌ی مهم دیگری که باید به آن پرداخته شود، معرفت نسبت به ظلمات آخرالزمان است؛ و نوع ظلماتی که مانع ظهور حضرت صاحب الامر (عج) شده باید روشن شود و از آن مهم‌تر معلوم شود که با چه نوع روح و روحیه‌ای می‌تون از آن ظلمات عبور کرد؛ زیرا ممکن است انسان‌ها منتظر چیزی باشند که آن از جنس ظلمات آخرالزمان است و یک نوع رجوع به دجال‌حیله‌گر محسوب شود. علت تحقق انقلاب اسلامی، فرهنگ انتظار بود و در زیر سایه‌ی آن فرهنگ، ملت ایران توانست قدمی جهت نزدیک شدن به هدف نهایی

بردارد و سرنوشت تاریخی خود را بهبود بخشد و به همان اندازه از استعدادهای معنوی عالم بهره مند شود. پیروزی انقلاب اسلامی در زمانه‌ای که بسیاری پذیرفته بودند دوره‌ای حاکمیت دین گذشته است، نشان داد عقیده به انتظار فرج یک عقیده‌ای واقع بینانه و منطقی است. حضور تاریخی در اردوگاه و خیمه‌ای حضرت قائم (عج) در اثر انتظار حاکمیت امام معصوم، از ظریف‌ترین نکاتی است که باید به آن پرداخته شود تا روشن گردد به واقع اگر انتظار با معرفتی صحیح انجام گیرد، در همین زمان، جان انسان را به شکوفایی مطلوب می‌کشانند و از تمام بیست و هفت حرف علمی که در زمان ظهور به صحنه می‌آید بهره‌مند می‌گردد. چون در همین زمان توانسته است از خدای لیبرال دموکراسی به خدای مهدی (عج) که خدای حضوری و وجودی است، رجوع کند. راوی از حضرت صادق (ع) می‌پرسد چه می‌فرمائید درباره‌ی کسی که در حال انتظار حضرت قائم (عج) بمیرد؟ حضرت فرمودند: «هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»، ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)» مقام او مانند مقام کسی است که در خیمه‌ای حضرت قائم باشد، سپس کمی تأمل کرده و فرمودند: مانند کسی است که در کنار رسول خدا (ص) بوده است. وقتی توحید خدا را شناختیم و متوجه شدیم معنی توحید یعنی نفی غیر خدا، به خوبی متوجه می‌شویم سیر عالم به سوی ظهور هر چه بیشتر توحید است و لازمه‌ی آن ظهور، حاکمیت انسانِ موحدِ کامل است که نه تنها در درون نفس خود در مقام توحید محض مستقر است، از بیرون نیز به حاکمیت توحید مبادرت می‌ورزد. عمده آن است که متوجه حضور توحید الهی در عالم باشیم و به نحوه‌ی های متفاوت ظهور آن توحید نظر کنیم، کسی می‌تواند منتظر حاکمیت انسان کامل باشد و زندگی خود را در ذیل انتظار آن حضرت شکل دهد که متوجه باشد خداوند جهان را رها نکرده تا هرکس با میل خود بر آن حکومت کند بلکه فرصتی به بشر داده تا در این فرصت، تلاش شود حضرت ولی الله اعظم (عج) امکان حاکمیت بر عالم و آدم را پیدا کنند. کافی است زمینه‌های فتوح آخرالزمانی را بشناسیم تا به خوبی با حجاب‌های ظهور درگیر شویم و این شاء الله به ظهور تام حاکمیت امام نایل گردیم. وقتی روشن شود امام زمان (عج) جنبه‌ای متعالی هر انسانی است، انتظار معنی خاص خود را پیدا می‌کند و در آن حال، نه تنها انسان منتظر هم اکنون قلب خود را متوجه قطب عالم امکان می‌نماید و با او زندگی می‌کند بلکه تلاش می‌نماید تا ظهور او در عالم و آدم هر چه بیشتر شدت یابد و افق بشریت به کلی دگرگون شود و از توجه به خاک، به انس با افلاک تغییر جهت دهد. و این است آن نوع از سبک زندگی که با نگاه مهدوی به زندگی‌ها برمی‌گردد. زیرا زندگی بدون ولایت الهی و حاکمیت اولیای الهی همیشه با یأس و شکاکیت و از خود بیگانگی همراه است و درمان چنین بحران‌های روحی را در رجوع به انسان کامل از یک طرف و تلاش برای حاکمیت او از طرف دیگر باید جستجو کرد، تا شور و شعف خاص که در عارفان حماسه‌ساز هست به جامعه برگردد. دل‌آگاهی پارسایانه حالتی است که با انتظار حاکمیت امام معصوم (ع) نصیب انسان منتظر می‌شود و نه تنها صحنه‌ای جان انسان از اراده‌های شیطانی تطهیر می‌گردد بلکه قلب انسان ظرفیت پذیرش القائات رحمانی را توسط حضرت

صاحب الامر (عج) پیدا می‌کند و این اساسی‌ترین برکتی است که در انسان منتظر به وقوع می‌پیوندد. موضوع بسیار حساسی در مباحث معرفتی مهدویت، آن است که عزیزان بدانند اگر می‌خواهند به واقع نسبت به آخرالزمان و پایان تاریخ تحقیقی همه جانبه داشته باشند باید به جای بحث از «حوادث ظهور» به «قواعد ظهور» بپردازند، تا معلوم شود حضرت در چه شرایطی قیام خواهند کرد و لذا باید زمینه‌ای فراهم می‌کنیم که آن شرایط را بشناسیم و تا آن‌جا که می‌توانیم آن شرایط را ایجاد نماییم. هنر اصلی ما در دنبال کردن سبک زندگی مهدوی در تبیین مقام بقیت الله است که صاحب اصلی آن حضرت مهدی (عج) هستند و سعی باید کرد تا این مقام درست تبیین نشود و تا انسان‌ها در خود چنین مقامی را احیاء نکنند زمانه‌ی ظهور نور بقیت الهی مهدی (عج) فراهم نمی‌گردد. توصیه‌ی اصلی ما این است که رفقاء از خود بپرسند اگر مهدی (عج) همان بقیت الله است و در حال حاضر غائب است آیا به این معنی نیست که معنی بقیت الله غائب است و تا عالم بقیت الهی در جان ما ظهور نکند مهدی (عج) ظهور نمی‌کند؟ آری هرکسی بهره‌ای از نور بقیت الهی دارد که اگر آن را نادیده بگیرد نمی‌تواند منتظر حضرت مهدی (عج) باشد و از برکات انتظار بهره‌مند شود، و برعکس، اگر عالم بقیت الهی هرکس ظهور کرد شدت انتظار مهدی (عج) به اوج خود می‌رسد و عملاً ظهور محقق می‌گردد. بنده در کتاب‌هایی که در مورد فرهنگ مهدویت نوشته‌ام از عالم بقیت الهی و آزادشدن از زمان که رمزالموز ورود به عالم بقیت الهی است سخن گفته‌ام و به نظرم در آن جا روشن شده چگونه باید از زمان آزاد شد و به بقای الهی باقی گشت. با تبیین عالم بقیت الهی و آزادشدن از «زمان» که ناشی از «حرکت» است، جایگاه وجودی فرهنگ مدرنیته در عالم روشن می‌شود و این‌که چرا فرهنگ مدرنیته همان ظلمات آخرالزمان است و چگونه با حرکت‌های افراطی که در این فرهنگ ایجاد شده انسان‌ها از باقی‌ماندن در زیر سایه‌ی بقای الهی محروم شده‌اند. بحث از آن است که چگونه عالم بقیت الهی به سراغ ما خواهد آمد و این‌که باید به انقلابی جهانی فکر کرد که به جهانی غیر از جهان موجود نظر دارد و تا روح بقیت الهی مدّ نظر ما نباشد هرگز نمی‌توانیم به جهانی دیگر فکر کنیم و لذا هرگز نمی‌توانیم به انقلاب جهانی حضرت بقیت الله اعظم (عج) که ماوراء استضعاف و استکبار انسان‌ها، به قرب الهی رجوع دارد و شیطان را در آن فضا می‌میراند، بیندیشیم. و سبک زندگی مهدوی را شروع کنیم راز ظهور و خفای نور بقیت الله (عج) باید روشن شود تا بتوان لحظه‌لحظه‌ی تاریخ بشریت و به خصوص دوران‌های مختلف انقلاب اسلامی را بر اساس نقش حضرت مهدی (عج) تحلیل کرد و تا روشن شود چرا در بعضی زمان‌ها حضرت مهدی (عج) ظهور بیشتری داشته و در بعضی زمان‌ها در خفا رفته است. مسلم گفتگو از حضرت صاحب‌الزمان (عج) به نحو صحیح و با تصور واقعی، موجب آمادگی برای انتظار حقیقی و تحقق آن و در نتیجه ظهور با برکت حضرت می‌شود و لذا بر هر مسلمان معتقد به وجود و ظهور آن حضرت لازم است که در راستای معرفی صحیح فرهنگ مهدویت و انتظار، هیچ‌گونه کوتاهی به خود راه ندهد. فروپاشی کمونیسم و سقوط لیبرالیسم در دره ابتذال و خودکامگی

امپریالیسم، دفتر تمامی تئوری‌های سیاسی اجتماعی را که مدعی اصلاح آینده بشر هستند فرو بست و به همین جهت قرن اخیر را قرن فقر تئوری‌ها می‌دانند و معتقدند هرگز بشر تا این اندازه دچار ضعف تئوری نبوده است، زیرا دیگر حرفی برای گفتن ندارد، و این است که به خوبی احساس می‌شود اگر بشریت به خود آید زمینه برای ظهور حجت خدا (عج) فراهم است. غفلت از معرفت و تصور صحیح از حجت‌هی خداوند (عج)، موجب در پرده شدن آن حضرت و عامل ادامه سرگردانی جهان خواهد بود. حال چه این غفلت به جهت ضعف تئوریک باشد، و چه به جهت انحراف از موضوع، و تقلیل دادن مطلب در حد جشن پانزده شعبان. و به واقع اگر تا این حد از نظر معرفتی از موضوع مهدویت و انتظار غفلت نمی‌شد، وضع مسلمین تا این اندازه بحرانی نبود و تنها چاره نجات جهان در حال حاضر روی آوردن و آویختن به دامن حجتی است که به تمامی در برابر حجت‌های غیر الهی و غیر حقیقی می‌ایستد، و از تمامیت فرهنگ معنوی حمایت می‌کند. بنده پس از تدوین کتاب «مبانی معرفتی مهدویت» در رابطه با «براهین وجود و چگونگی حضور و ظهور حضرت حجت (عج) در هستی» مجموعه مباحثی را عرضه کرده ام برای «تبیین مقام واسطه فیض بودن وجود مقدس حضرت صاحب الامر (عج)» و معتقدم انسان‌های هوشیار و متوجه سنن الهی به کمک ابواب گشوده خداوند و واسطه‌های فیض ربّانی، از بندهای پیچیده شده بر قلب و ذهن و زبان خود می‌رهند و وارد مجلس انس با خدا می‌شوند و از پایگاه بصیرت توحیدی، زندگی و تاریخ را تحلیل نموده و عمل خود را بر آن اساس شکل می‌دهند و تاریخ جدید جهان را شروع می‌نمایند، و لذا ضرورت توجه به واسطه فیض عالم، یعنی حضرت صاحب الامر (عج)، ضرورتی است که غفلت از آن، غفلت از همه زندگی در ابعاد فردی و اجتماعی است. معرفت به مقام امامی که تجلی جامع اسماء حسنا الهی و آیت غیب الغیوب پروردگار و خاتم اوصیاء و کعبه آمال همه انبیاء و اولیاء و واسطه فیض خدا است، و بدون او هستی در هم می‌ریزد و زمین اهلش را فرو می‌برد، چرا باید این چنین ساده مطرح باشد که مجبور باشیم برای طرح چنین عقیده‌ای بزرگ در موضع دفاعی قرار گیریم؟ و دشمنان این عقیده تصور نمایند حرفی برای گفتن دارند. گویا شیطان همه سواره نظام و پیاده نظام خود را بسیج کرده تا این حقیقت بزرگ به فراموشی سپرده شود، چرا که مرگ او با ظهور حضرت (عج) رقم خورده است. شیطان از خداوند تا روز قیامت مهلت می‌خواهد، ولی خداوند تا روز «معلوم» به او مهلت می‌دهد. «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» امام صادق (ع)؛ «يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» را عصر ظهور معرفی می‌کنند. پس عصر ظهور، عصر شکستن شیشه عمر شیطان است. از همین رو؛ شیطان سرسخت‌ترین دشمن امام زمان (عج) به شمار می‌رود و تمام تلاش او برای تخریب این حقیقت بزرگ و به تأخیر انداختن ظهور آن حضرت است، و لذا شیعیان باید برای مقابله با شیطان و اعوان و انصار او به منطق عقل و نقل معتبر مجهز گردند تا به خوبی شرایط ظهور آن وعده بزرگ خدا را محقق نمایند. در موضوع مهدویت یک کار؛ طرح متون روایی بسیار ارزشمندی است که وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) را مطرح می‌کند-

اعم از روایات مربوط به وجود مقدس آن حضرت، یا روایات مربوط به چگونگی و شرایط ظهور آن حضرت- و کار دیگر؛ تحلیل در مورد آن متون و روشن نمودن جایگاه حضرت از نظر روایات است، که این کتاب در عین نظر به کار اول، بیشتر کار دوم را به عهده گرفته است، زیرا تدبّر و تحلیل در متون روایی و ادعیه مربوطه موجب می شود حقانیت و عظمت جایگاه معرفتی آن ادعیه و روایات هر چه بیشتر برای ما روشن شود و با امیدواری بیشتر به آن ها تکیه کنیم. بیش از سه دهه است که غرب با استعداد شیطانی خود متوجه مسأله مهدویت شده است و برای به انحراف کشیدن آن از طریق منابع و روایات مسیحی و یهودی و از جمله مطالعات اسلامی، تلاش پی گیری نموده است، و عملاً با تأسیس صدها سایت و ساخت فیلم و انتشار کتاب، در صدد است موضوع مهدویت را به حجاب ببرد و با بازداری مردم برای رسیدن به بلوغ معنوی، برای ادامه حیات شیطانی خود، ظهور حضرت را به تأخیر می اندازد و این جاست که منتظران واقعی باید همه همت خود را جهت خنثی کردن آن حيله ها به کار گیرند و به کمک ائمه معصومین (علیهم السلام)، تصور صحیح و مؤثری از مهدویت و فرهنگ انتظار داشته باشند تا این شاء الله در عین دفع ظلمات آخرالزمان، هرچه زودتر از برکات ظهور آن حقیقت بزرگ برخوردار شویم. توجه درست و دقیق به حجتِ حی خداوند (عج) به خودی خود احیاء فرهنگی است که می تواند مبانی و صورت فرهنگ مدرنیته را به نقد بکشد و جایگاه تاریخی آن را به خوبی نمایان کند و این کار از هیچ یک از عناصر فرهنگی گذشته و حال به جز فرهنگ انتظار و مهدویت بر نمی آید و لذا است که با طرح درست مهدویت می توان با سرعتی غیر قابل تصور از حجاب ظلمات مدرنیته گذشت و جبهه ظهور مقدس حضرت صاحب الامر (عج) را گشود و سبک زندگی مهدوی را شروع کرد. اگر روزی جامعه ما به درجه ای از خودآگاهی تاریخی برسد که از عمق جان تمنای تجدید حیات فرهنگ ناب محمدی (ص) در آن شعله ور شود، فرهنگ مهدویت و توجه به حضرت مهدی (عج)- به عنوان جان مایه تفکر دینی و شیعی- تنها نقطه اتکاء ما برای برگشت به هویت اصیل مان می باشد و لذا است که عاقلانه ترین کار برای نجات جامعه، احیاء هرچه دقیق تر فرهنگ مهدویت است شرایط ظهور حضرت مهدی (عج) به قدری عجیب و عظیم است که اندیشه های زیادی را جهت درک آن شرایط به خود مشغول می کند تا انسان متوجه شود چگونه با ظهور آن حضرت، ابعاد پنهان و باطنی عالم به ظهور می آید و سنگ و درخت با یاران مهدی (عج) سخن می گویند. بیش از آن که تصور شود حضرت مهدی (عج) از عالم غیب به عالم شهود می آید باید به این نکته توجه شود که عالم شهود نیز آنچنان صعود می کند که می تواند ظرف ظهور ابعاد غیبی حضرت مهدی (عج) گردد. وقتی حضرت سجاد در وصف منتظران حضرت مهدی (عج) می فرماید: «الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة» غیبت نزد آن ها همانند مشاهده است، می فهمیم زمانه جهت ظهور مهدی (عج) باید آنچنان اوج بگیرد که دیگر عالم ماده حجاب بین انسان ها جهت رؤیت عالم غیب نباشد و این می رساند که ضروری است معارف خاصی به میان آید که بتواند انسان ها را به حضور عالم غیب سیر دهد تا زمینه ی ظهور آن حضرت فراهم گردد. اعتقاد به توحید و نافذ بودن

توحید، اقتضا می‌کند که متوجه باشیم توحید الهی همچنان تاریخ را در می‌نوردد و جلو می‌آید و روز به روز بیشتر ظهور می‌کند تا منجر به توحیدی‌ترین شرایط و حاکمیت موحدترین انسان شود و در نتیجه در آخرالزمان انسان‌ها با تجلی کاملی از توحید الهی روبه‌رو خواهند شد و این یعنی ظهور ابعاد باطنی عالم هستی و پشت‌کردن به ظلماتی که مانع تجلی چنین توحیدی است. این‌ها از نکاتی است که بعنوان شروع سبک زندگی مهدوی خوب است مد نظر عزیزان باشد.. بنده سعی کرده‌ام به‌خصوص در سه کتاب اخیر خود چنین توجهی را به معتقدین به مهدویت عرضه دارم که آن سه کتاب عبارتند از «عوامل ورود به عالم بقیت‌اللهی» و «آخرالزمان؛ شرایط ظهور باطنی‌ترین بُعد هستی» و «بصیرت و انتظار فرج». موفق باشید